****

[جوار احرام به عمره مفرده بعد از تقصیر حج تمتع 1](#_Toc488488849)

[کلام آیت الله زنجانی 2](#_Toc488488850)

[نقد کلام آیت الله زنجانی 2](#_Toc488488851)

[بررسی حکم اتیان به عمره مفرده بعد از تقصیر عمره تمتع و قبل از احرام حج تمتع 3](#_Toc488488852)

[کلام محقق نائینی ره 3](#_Toc488488853)

[مناقشه محقق خویی ره 3](#_Toc488488854)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## جوار احرام به عمره مفرده بعد از تقصیر حج تمتع

نسبت به جواز احرام به عمره مفرده بعد از احرام حج تمتع گفتیم تا تقصیر نکرده که واضح است احرام به عمره مفرده صحیح نیست، زیرا معنای عرفی احرام برای متلبس به احرام حج، محقق نیست، ولو نگوییم که احرم ظهور در وجوب احداث احرام دارد و این به خاطر خصوصیت ماده احرام است.

اما بعد از تقصیر دلیلی بر عدم جواز عمره مفرده وجود ندارد و اگر اطلاقی هم نسبت به مشروعیت احرام عمره مفرده در این فرض نباشد، برائت از اشتراط صحت عمره مفرده به این شرط جاری می شود، محقق خوئی هم فرموده برائت از اشتراط در مستحبات جاری می شود و گرچه عده ای در این نظریه اشکال کرده اند، و ما هم اشکالاتی کردیم، اما در نهایت این مبنا را تقویت کردیم.

### کلام آیت الله زنجانی

اشکالی نیز به آیت الله زنجانی داشتیم که چرا تفصیل داده اند بین عمره مفرده قبل از طواف و سعی حج به عدم جواز عمره مفرده با عمره مفرده قبل از طواف نساء به جواز عمره مفرده، با این که ایشان طواف نساء را نیز جزء حج می دانند.

ایشان از این اشکال جواب داده اند که ما از روایتی استفاده کرده ایم که اتیان به عمره مفرده با وجود حرمت نساء مشروع نیست و آن روایت، صحیحه معاویة بن عمار است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع خَرَجَ مُعْتَمِراً- فَمَرِضَ فِي الطَّرِيقِ فَبَلَغَ عَلِيّاً ع وَ هُوَ بِالْمَدِينَةِ- فَخَرَجَ فِي طَلَبِهِ فَأَدْرَكَهُ فِي السُّقْيَا وَ هُوَ‌ مَرِيضٌ- فَقَالَ يَا بُنَيَّ مَا تَشْتَكِي فَقَالَ أَشْتَكِي رَأْسِي- فَدَعَا عَلِيٌّ بِبَدَنَةٍ فَنَحَرَهَا وَ حَلَقَ رَأْسَهُ وَ رَدَّهُ إِلَى الْمَدِينَةِ- فَلَمَّا بَرَأَ مِنْ وَجَعِهِ اعْتَمَرَ- فَقُلْتُ أَ رَأَيْتَ حِينَ بَرَأَ مِنْ وَجَعِهِ أَ حَلَّ لَهُ النِّسَاءُ- فَقَالَ لَا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ- حَتَّى يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- قُلْتُ فَمَا بَالُ النَّبِيِّ ص حِينَ رَجَعَ إِلَى الْمَدِينَةِ- حَلَّ لَهُ النِّسَاءُ وَ لَمْ يَطُفْ بِالْبَيْتِ- فَقَالَ لَيْسَ هَذَا مِثْلَ هَذَا- النَّبِيُّ ص كَانَ مَصْدُوداً وَ الْحُسَيْنُ ع مَحْصُوراً.[[1]](#footnote-1)

زن بر محصور یا در مطلق مناسک یا در خصوص عمره مفرده، حلال نمی شود تا وقتی که طواف و سعی انجام دهد، در عین حالی که بر امام حسین علیه السلام زن حرام بود، برای عمره دیگری محرم شدند و معلوم می شود که با حرمت نساء، عمره مفرده جایز است.

#### نقد کلام آیت الله زنجانی

بحث ما در رابطه با کسی است که طواف نساء بر عهده اوست، نه محصوری که باید برای حلیت نساء، عمره مفرده دیگری انجام دهد، محصور باید برای حلیت نساء عمره مفرده دیگری انجام دهد و نمی توان از این روایت الغاء خصوصیت به غیر محصور نمود.

## بررسی حکم اتیان به عمره مفرده بعد از تقصیر عمره تمتع و قبل از احرام حج تمتع

### کلام محقق نائینی ره

محقق نائینی فرموده عمره مفرده در این فترة بلامانع است، آن چه ممنوع است، خروج متمتع از مکه به مقدار مسافت شرعی است، اما رفتن به تنعیم برای احرام مانعی ندارد.

#### مناقشه محقق خویی ره

محقق خوئی در این نظریه مناقشه کرده و به سه بیان، نفی مشروعیت عمره در این فترة نموده است:

بیان اول

احرام برای عمره مفرده متوقف بر خروج به ادنی الحل است و خروج از مکه قدیمه و لو به اقل از مسافت شرعیه حرام است، معیار در این موارد نیز مکه قدیمه است و تنعیم نیز از مکه قدیمه خارج است.

بیان دوم

نظریه مشروعیت عمره مفرده در این فتره، خلاف صحیحه حماد است که می گوید اگر کسی بعد از عمره تمتع از مکه خارج شد و در ماه بعد به مکه برگشت، باید با احرام جدید وارد مکه شود و همین عمره جدید، عمره تمتع اوست: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ مُتَمَتِّعاً فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ- لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ حَتَّى يَقْضِيَ الْحَجَّ- فَإِنْ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى عُسْفَانَ أَوْ إِلَى الطَّائِفِ- أَوْ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ خَرَجَ مُحْرِماً وَ دَخَلَ مُلَبِّياً بِالْحَجِّ- فَلَا يَزَالُ عَلَى إِحْرَامِهِ- فَإِنْ رَجَعَ إِلَى مَكَّةَ رَجَعَ مُحْرِماً وَ لَمْ يَقْرَبِ الْبَيْتَ- حَتَّى يَخْرُجَ مَعَ النَّاسِ إِلَى مِنًى عَلَى إِحْرَامِهِ- وَ إِنْ شَاءَ وَجَّهَهُ ذَلِكَ إِلَى مِنًى- قُلْتُ فَإِنْ جَهِلَ فَخَرَجَ إِلَى الْمَدِينَةِ- أَوْ إِلَى نَحْوِهَا بِغَيْرِ إِحْرَامٍ- ثُمَّ رَجَعَ فِي إِبَّانِ الْحَجِّ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ- يُرِيدُ الْحَجَّ فَيَدْخُلُهَا مُحْرِماً أَوْ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ- قَالَ إِنْ رَجَعَ فِي شَهْرِهِ دَخَلَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ- وَ إِنْ دَخَلَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ دَخَلَ مُحْرِماً- قُلْتُ فَأَيُّ الْإِحْرَامَيْنِ وَ الْمُتْعَتَيْنِ- مُتْعَتُهُ الْأُولَى أَوِ الْأَخِيرَةُ- قَالَ الْأَخِيرَةُ هِيَ عُمْرَتُهُ- وَ هِيَ الْمُحْتَبَسُ بِهَا الَّتِي وَصَلَتْ بِحَجَّتِهِ- قُلْتُ فَمَا فَرْقٌ بَيْنَ الْمُفْرَدَةِ وَ بَيْنَ عُمْرَةِ الْمُتْعَةِ- إِذَا دَخَلَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ قَالَ- أَحْرَمَ بِالْعُمْرَةِ وَ هُوَ يَنْوِي الْعُمْرَةَ- ثُمَّ أَحَلَّ مِنْهَا وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ دَمٌ- وَ لَمْ يَكُنْ مُحْتَبَساً بِهَا- لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ يَنْوِي الْحَجَّ.[[2]](#footnote-2)

ظاهر روایت این است که عمره تمتع باید وصل به حج باشد، و از این که عمره ثانیه، عمره تمتع است، معلوم می شود که شرع مقدس فاصله انداختن بین عمره تمتع و حج را جایز نمی داند، و گرنه چرا عمره متوسطه، عمره مفرده نباشد؟

بیان سوم

اگر عمره مفرده در این فترة مشروع بود، نقل می شد و در روایتی بیان می شد و یا اصحاب انجام می دادند، در حالی که در هیچ روایتی از ائمه علیهم السلام یا اصحاب چنین چیزی نقل نشده است.

نتایج این سه بیان متفاوت است، نتیجه بیان اول این است که خروج از مکه حرام است و ربطی به عدم مشروعیت عمره مفرده پیدا نمی کند.

نتیجه بیان دوم این است که اصلا عمره مفرده در این زمان، مبطل عمره تمتع قبلی است و نتیجه آن همان قول آیت الله سیستانی است که عمره مفرده متوسطه، مبطل عمره تمتع است، چون سبب انفصال عمره و حج تمتع می شود، اما خودش فاسد نیست، مگر اجتماع امر و نهی را جایز ندانیم.

البته ما به آیت الله سیستانی این اشکال را داریم که چگونه این عمره مفرده، مفسد عمره تمتع است، اما خودش فاسد نیست، زیرا قطعا افساد عمره تمتع حرام است (این شخص که از مکه خارج شده یا بلاحاجة بوده و اگر هم مع الحاجة بوده، می بایست محرم به حج تمتع شود، که این شخص محرم به حج هم نشده است) و خود ایشان هم بدان ملتزم است، و این شخص نیز با همین عمره مفرده، مرتکب این حرام شده است، پس چگونه این عمره مفرده صحیح می باشد؟

ایشان ممکن است که جواب دهد ما قائل به جواز اجتماع امر و نهی هستیم، عمره مفرده ای که انجام شده، مصداق ابطال عمره تمتع است (اگر در همان ماه عمره تمتع، عمره مفرده انجام دهد که مبطل عمره تمتع، همین عمره مفرده باشد و نه خروج شهر) ولی قائل به جواز اجتماع امر و نهی هستیم.

و لکن اشکال ما این است که وقتی از روی علم و عمد این کار حرام انجام شود، چگونه از او قصد قربت متمشی می شود و چگونه صلاحیت مقربیت دارد؟

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص178، أبواب أن المصدود بالعدو تحل له النساء...، باب1، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/178/وجعه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص303، أبواب وجوب الإتیان بعمرة التمتع و ...، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/303/وصلت) [↑](#footnote-ref-2)